بواسطهٔ منشی محفل امةاللّه مس ا ج دایزرنک
اعضاء محفل اجرائیّهٔ کنگرس صلح عمومی در هولاند

هواللّه

ای انجمن محترم عالم انسانی از این نیّت خیریّه و علوّیّت مقاصد که دارید باید مورد شکرانیّت جمیع بشر گردید کل از شما ممنون و خشنود باشند که ببذل چنین همّتی پرداختید که سبب آسایش عموم بشر است زیرا راحت و آسایش عالم آفرینش در تحسین اخلاق عمومی عالم انسانی است و اعظم وسیله بجهت تربیت اخلاق علوّ همّت و توسیع افکار است باید عالم انسانی را باین منقبت عظیمه دعوت نمود

ملاحظه فرمائید که مبادی مرعیّهٔ اصلیّهٔ هر فردی از افراد بشر جلب منفعت خویش و دفع مضرّت است در فکر آسایش و شادمانی خود است و آرزوی تفرّد در زندگانی مینماید و میکوشد که از جمیع افراد دیگر در راحت و ثروت و عزّت ممتاز گردد اینست آرزوی هر فردی از افراد بشر و این نهایت دنائت و بدبختی و پستی فکر است انسان چون اندکی ترقّی فکر یابد و همّتش بلند گردد در فکر آن افتد که عموم عائله را جلب منفعت و دفع مضرّت نماید زیرا راحت و نعمت عموم خاندان خویش را سعادت خود داند و چون فکرش توسّع بیشتر یابد و همّتش بلندتر گردد در فکر آن افتد که ابناء ملّت و ابناء وطن خویش را جالب منفعت و دافع مضرّت شود هرچند این همّت و فکر از برای خود او و خاندان او بلکه عموم ابناء ملّت و وطن او مفید است ولکن از برای ملل سائره مورث ضرر است زیرا بجان بکوشد که جمیع منافع عالم انسانی را راجع بملّت خویش و فوائد روی ارض را بعائلهٔ خود و سعادت کلّیّهٔ عالم انسانی را تخصیص بخود دهد و همچو داند که ملل سائره و دول مجاوره هر چه تدنّی نمایند ملّت خویش و وطن خود ترقّی نماید تا در قوّت و ثروت و اقتدار باین وسیله بر سائرین تفوّق یابد و غلبه کند امّا انسان الهی و شخص آسمانی از این قیود مبرّاست و وسعت افکار و علوّیّت همّت او در نهایت درجه است و دائرهٔ افکار او چنان اتّساع یابد که منفعت عموم بشر را اساس سعادت هر فردی از بشر داند و مضرّت کلّ ملل و دول را عین مضرّت دولت و ملّت خویش بلکه خاندان خود بلکه عین مضرّت نفس خود شمرد لهذا بجان و دل بقدر امکان بکوشد که جلب سعادت و منفعت از برای عموم بشر و دفع مضرّت از عموم ملل نماید و در علوّیّت و نورانیّت و سعادت عموم انسان بکوشد فرقی در میان نگذارد زیرا عالم انسانی را یک خاندان داند و عموم ملل را افراد آن خاندان شمرد بلکه هیئت اجتماعیّهٔ بشر را شخص واحد انگارد و هر یک از ملل را عضوی از اعضا شمرد انسان باید علوّیّت همّتش باین درجه باشد تا خدمت باخلاق عمومی کند و سبب عزّت عالم انسانی گردد

حال قضیّه بر عکس است جمیع ملل عالم در فکر ترقّی خویش و تدنّی سائرینند بلکه در فکر جلب منفعت خود و مضرّت دیگرانند و این را تنازع بقا شمرند و گویند اساس فطری عالم انسانیست ولی این بسیار خطاست بلکه خطائی از این اعظم نه سبحانّاللّه در بعضی از حیوانات تعاون و تعاضد بقا است ملاحظه میشود که در مورد خطر بر یکدیگر سبقت میگیرند روزی در کنار نهری صغیر بودم ملخهای صغیر که هنوز پر برنیاورده بجهت تحصیل رزق از این طرف نهر بطرف دیگر عبور میخواستند لهذا آن ملخهای بی بال و پر هجوم نمودند و هر یک بر دیگری سبقت گرفتند و خود را در آب ریختند تا مانند پلی از این طرف نهر تا آن طرف نهر تشکیل نمودند و ملخهای دیگر از روی آنها عبور کردند و از آن سمت نهر بسمت دیگر گذشتند ولی آن ملخهائی که در روی آب پلی تشکیل نموده بودند هلاک شدند ملاحظه کنید که این تعاون بقاست نه تنازع بقا مادام حیوانات را چنین احساسات شریفهئی دیگر انسان که اشرف کائنات است چگونه باید باشد و چگونه سزاوار است علی‌الخصوص که تعالیم الهیّه و شرایع سماویّه انسان را مجبور بر این فضیلت مینماید و در نزد خدا امتیازات ملّیّه و تقاسیم

وطنیّه و خصوصیّت عائله و قیود شخصیّه مذموم و مردود است جمیع انبیای الهی مبعوث و جمیع کتب سماوی بجهت این مزیّت و فضیلت نازل شد و جمیع تعالیم الهی محصور در این است که این افکار خصوصیّت منافع از میان زائل گردد و اخلاق عالم انسانی تحسین شود و مساوات و مواسات بین عموم بشر تأسیس گردد تا هر فردی از افراد جان خویش را بجهت دیگران فدا نماید این است اساس الهی اینست شریعت سماوی و چنین اساسی متین جز بیک قوّت کلّیّهٔ قاهره بر احساسات بشریّه تأسیس نیابد زیرا هر قوّتی عاجز است مگر قوّت روح القدس و نفثات روح القدس چنان انسان را منقلب نماید که بکلّی اخلاق مبدّل گردد ولادت ثانویّه یابد و بنار محبّت اللّه که محبّت عموم خلق است و ماء حیات ابدیّه و روح القدس تعمید یابد فلاسفهٔ اولی که نهایت همّت در تحسین اخلاق داشتند و بجان و دل کوشیدند ولی نهایت تربیت اخلاق خویش توانستند نه اخلاق عمومی بتاریخ مراجعت نمائید واضح و مشهود گردد ولی قوّهٔ روح القدس تحسین اخلاق عمومی نماید عالم انسانی را روشن کند علوّیّت حقیقی مبذول دارد و عموم بشر را تربیت کند پس خیرخواهان عالم باید بکوشند تا بقوّت جاذبه تأییدات روح القدس را جذب کنند امیدم چنان است که آن جمع محترم انجمن خیری عالم انسانی مانند آئینه اقتباس انوار از شمس حقیقت نمایند و سبب تربیت اخلاق عموم بشر گردند و خواهش آن دارم که نهایت احترام من در حقّ آن هیئت عالیقدر مقبول شود ع ع

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۴ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر